

دانشنامه جهان اسلام

ذ - ر

ذو کفّل - رشید

(۱۹)



زیر نظر

علاّی حدّاد عادل

معاون علمی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۳

حدود ۱۶۷ کیلومتری جنوب مشهد در مسیر جاده تربت حیدریه* به خواف* واقع است (جعفری، ح ۳، ص ۲۸۷، ۶۱۲).

نام رشتخوار تا پیش از قرن چهاردهم، در منابع رشتخوار یا رُشخوار ثبت شده است (لعل^۱، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ اعتصام‌الملک، ص ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۰؛ مرهنگ جغرافیایی ایران، ص ۵۰۱). نخستین بار ظاهراً در مذاکرات مجلس چهارم شورای ملی، جلسه ۴۹ مورخ ۲۸ آذر ۱۳۰۰، نام آنجا رُشخوار ذکر شده است. به‌رغم غلبه نام رُشخوار / رشتخوار، پس از آن، رشتخوار نیز رواج داشت (لعل^۲، ص ۸۵، ۱۰۲). به‌نظر می‌رسد رشتخوار مرکب از دو واژه رُش، به‌معنای تپه و پشته (دهخدا، ذیل «رُش»)، و خوار، به‌معنای پست و کم‌ارتفاع (همان، ذیل «خوار»)، و در مجموع به‌معنای زمینی با تپه‌های کم‌ارتفاع باشد. وضع جغرافیایی محل شهر نیز مؤید این احتمال است، زیرا شهر در دشتی واقع است که تپه‌های کم‌ارتفاع آن را احاطه کرده‌اند.

آثار باستانی شهرستان رشتخوار حاکی از قدمت آبادانی و سکونتگاه‌های شهری در این منطقه است، از جمله تپه‌ها و محوطه کوده (از دوران پیش از تاریخ) و تپه فاضلمند (از دوران پیش از اسلام تا سده‌های نخستین اسلام) که در فهرست آثار ملی نیز به‌ثبت رسیده‌اند (پازوکی طرودی و شادمهر، ص ۱۷۲).

محدوده کنونی رشتخوار کمابیش با بخشهایی از ولایت قدیم زاوه* انطباق دارد با این‌همه، در منابع قدیم به نام شهر یا ناحیه رشتخوار اشاره‌ای نشده است در شمال ولایت قُهنستان در مسیر گناباد* تا سَنجان و زاوه، شهری با نام حایمَند / جایمَند قرار داشته (اصطخری، ص ۲۵۶، ۲۸۳؛ ابن حوقل، ص ۴۲۷، ۴۵۵؛ حدودالعالم، ص ۹۱؛ ادریسی، ج ۱، ص ۶۴۲، ح ۲، ص ۶۹۰). ولی پس از هجوم مغولان، برخلاف چند شهر مجاور دیگر، نشانی از آن در منابع نیامده است، بنابراین شاید بتوان گفت این شهر بر جای رشتخوار امروزی واقع بوده است مسجد جامع کهن حاشیه جنوبی شهر رشتخوار ممکن است مؤیدی باشد بر اینکه در حواشی آن شهری وجود داشته است تنها سند تعیین قدمت بنای این مسجد سبک معماری آن است که به اختلاف، آن را از دوره حکومت سلجوقیان بر خراسان (حک: ۴۲۹-۵۵۲) تا دوره تیموریان (حک: ۸۰۷-۹۱۳) دانسته‌اند (لعل^۳ در اسلام، چاپ دوم، ج ۶، ص ۱۶۸۵ خسروی، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ قائمی، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ افشار، ص ۵۶۵) با وجود این رابرت هیلن‌برند^۴، که به مقایسه سبک معماری مساجد ایران در ادوار مختلف پرداخته، تاریخ بنای مسجد را ۸۵۸ ذکر کرده است (لعل^۴ در اسلام، همانجا). شاهد دیگر بر قدمت آبادانی منطقه در دوره اسلامی این است که در حدود نوزده کیلومتری جنوب‌غربی

(متوفی ۱۳۱۳)؛ شیخ عبدالحسین رشتی*؛ ابراهیم پورداود* (متوفی ۱۳۴۷ ش)؛ و محمد معین* (متوفی ۱۳۵۰ ش).

منابع: صادق‌احسانبخش، دانشوران و دولتمردان گیل و دیلم، [رشت] ۱۳۸۰ ش؛ ریما اسلام‌سلک، معرفی چند بنای قدیمی در رشت، معماری و مرهنگ، ش ۱۲ (بهار ۱۳۸۱)؛ حسن اشکوری، میدان مرکزی شهر رشت و مسائل آن، معماری و شهرسازی، ش ۲۴ (آبان و آذر ۱۳۷۲)؛ ارست اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران ۱۳۸۲ ش؛ ایران، قوانین و احکام، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۶، تهران روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷ ش؛ ایران، وزارت کشور معاونت سیاسی، دفتر تقسیمات کشوری، عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری ایران: تیر ۱۳۹۰، تهران ۱۳۹۰ ش^۱؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرستانهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش^۲؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش^۳؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس عناصر تقسیماتی به همراه شماره مصوبات آن، تهران ۱۳۸۲ ش؛ جعفری: محمدعلیرین محمدزاد صاحب‌سیاح، خاطرات حاج سیاح، یا، دوره خوف و وحشت، به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیدالله گلکار، تهران ۱۳۵۹ ش؛ روزآرا: حسن روملو، احسن‌التواریخ، چاپ عبدالحسین بوانی، تهران ۱۳۸۴ ش؛ سازمان هواشناسی کشور، سالنامه آماری هواشناسی: ۱۳۷۵-۷۶، تهران ۱۳۷۸ ش؛ موجهر ستوده، ار آستارا تا ایستارباد، تهران ۱۳۲۹-۱۳۸۰ ش؛ سلطانمحمد میرزافاجار، سفرنامه سیدالدوله: معروف به سفرنامه مکه، چاپ علی‌اکبر حدادیرت، تهران ۱۳۶۴ ش؛ اسماعیل شفق، «دانای علی با [بیر دانا علی]»، گیلان ما، سال ۲، ش ۱ (زمستان ۱۳۸۰)؛ رین‌العابدین اسکندر شیروانی، ستان‌السیاحه، یا، سیاحت‌نامه، چاپ سگی تهران ۱۳۱۵، چاپ افت [بی‌تا]؛ فرهاد طاهری، «کتابخانه ملی رشت»، فصلنامه پیام کتابخانه، سال ۲، ش ۳۰ (تابستان و پلیر ۱۳۷۱)؛ علی‌س محمدناصر ظهیرالدوله، سفرنامه ظهیرالدوله همراه مظفرالدین شاه به فرنگستان، چاپ محمداسماعیل رصوی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۱۶، رشت، تهران سازمان جغرافیایی بروهای مسلح، ۱۳۷۱ ش؛ کتاب گیلان، به سرپرستی ابراهیم اصلاح عربانی، ج ۴، تهران گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۸۷ ش؛ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، کل کشور، تهران ۱۳۹۱ ش؛ نقشه سیاحتی و گردشگری استان گیلان، مقیاس ۱:۳۰۰،۰۰۰، تهران گیتاشناسی، [۱۳۹۰ ش]؛ محمدیوسف واله اصفهانی، خلدبرین: ایران در روزگار صفویان، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۷۲ ش؛ روبرت واهانیان، «مدخلی بر معمارهای باشکوه رشت»، گیله‌وا، ش ۵۶ (اسفند ۱۳۷۸ - فروردین ۱۳۷۹)؛

Hyacinth Louis Rabino, *Les provinces caspiennes de la Perse: le Gullân*, Paris 1917.

/ محمد محمودپور /

رُشخوار (رُشخوار / رشتخوار)، شهر و شهرستانی در استان خراسان رضوی در شمال‌شرقی ایران شهر رشتخوار در



مسجد جامع رشتخوار

شهر رشتخوار، در دامنه‌های تپه‌های جنوب روستای اکبرآباد آثار قلاعی وجود دارد که بومیان آن را جیج / جیز می‌نامند. این آثار و اطلال، که ظروف و سفالینه‌های فراوان در آن کشف شده، از ویرانه‌های شهرک جیزد / چرد به دست آمده است (خسروی، ص ۲۵۰-۲۵۲). این شهرک در زلزله ۷۳۷ ویران شده بود (مخدومانی، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ خوافی، ج ۳، ص ۵۲-۵۳).

با وجود این پیشینه، قدمت شهر کنونی رشتخوار از اوایل دوره قاجار (حک: ۱۲۱۰-۱۳۴۴ (۱۳۰۴ ش)) فراتر نمی‌رود. نخستین بار از رشتخوار در سفرنامه یکی از کارگزاران بریتانیا به نام لعل یاد شده است. او که در ۱۲۴۸ / ۱۸۳۲ در رشتخوار بوده، آنجا را ساخته امین‌خان بیگ قرایی، عموی محمدخان قرایی، حاکم تربت‌حیدریه (حک: ۱۲۳۱-۱۲۴۸)، دانسته است (ص ۲۰۸). آن سال، جمعیت رشتخوار حدود ۱۵۰۰ تن بود. بسیاری از این جمعیت، چند ماه پیش از سفر لعل به رشتخوار، در واقعه فتح سرخس به دست عباس میرزا (پسر فتحعلی‌شاه قاجار)، از اسارت ترکمانان آزاد شده بودند (همان، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ برای واقعه فتح سرخس - هدایت، ص ۲۳۰؛ اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۱۶۱۱). به گفته لعل (ص ۲۰۹)، این افراد که در جوانی اسیر ترکمانان شده بودند، پس از بازگشت به وطن، قادر به شناسایی والدین خود نبودند. مالیات این آبادی نیز ششصد غرور غله در سال بود. رشتخوار، که تا پیش از آن، مرکز شش یا هفت قلعه نظامی بود و خاندان قرایی (حاکمان محلی تربت‌حیدریه) بر آنجا حاکم بودند (ص همانجا)، با سقوط حکومت قراییها به دست عباس میرزا، زیر نظر مستقیم حکومت مرکزی درآمد (هدایت، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ اعتمادالسلطنه، همانجا). در ۱۲۶۷، مؤلف گمنام روزنامه مسافرت هرات (ص ۵۵) از ناامنی منطقه رشتخوار (با ضبط اشتباه نشخار) و هراس شدید مردم از ترکمانان یاد کرده است که برخلاف گذشته در دسته‌های

بزرگ هجوم می‌آوردند. حمله ترکمانان تا دهه‌های بعد نیز ادامه داشت، اما از اوضاع رشتخوار در آن سالها اطلاعی در دست نیست. با وجود این به نظر می‌رسد در تقسیمات منطقه تغییراتی صورت گرفته باشد، زیرا در ۱۲۹۴ نخستین بار از رشتخوار به عنوان مرکز بلوکی به همین نام یاد شده است. پیش از آن سال، شاهزاده انوشیروان میرزا (نواده عباس میرزا) حاکم تربت‌حیدریه بود که رفتار وی موجب نارضایتی اهالی رشتخوار و شکایت از او نزد مأمور ویژه حکومت مرکزی شده بود (اعتصام‌الملک، ص ۱۲۹). در ۱۲۹۶، نخستین آمارگیری در این منطقه صورت گرفت. اطلاعات این آمارگیری را مؤلفی گمنام در کتابچه‌ای با عنوان «خانوار ولایت تربت‌حیدریه» جمع‌آوری و به پایتخت ارسال کرد که بر طبق آن، بلوک رشتخوار شامل نه قریه و سیزده مزرعه بود (تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران، ج ۱، ص [۵۶-۵۴]، قس ج ۱، ص ۳۰-۳۱، ۸۳-۸۹). قریه رشتخوار، که از شش رشته قنات مشروب می‌شد، ۳۸۸ و توابع آن ۶۸۴ خانوار جمعیت داشت (همان، ج ۱، ص ۳۰-۳۱، ۸۳-۸۹).

در سالهای بعد، با برقراری امنیت و رونق تجارت در سراسر ایالت خراسان (ص کرزن^۱، ج ۱، ص ۱۸۱، ۲۷۸، ۲۰۵-۲۱۵)، اوضاع رشتخوار نیز بهبود و جمعیت آن افزایش یافت، به گونه‌ای که در سالهای مقارن انقلاب مشروطه، آبادی رشتخوار روستایی خوش‌منظر با حدود هفتصد واحد مسکونی و جمعیتی حدود ۲۸۰۰ تن بوده است. در آن سالها، در رشتخوار مغازه‌های بسیاری وجود داشت و شغل غالب اهالی کشت غله، دامپروری و در مرتبه بعد باغداری بود. شمار دامهای آنها حدود چهارهزار رأس گوسفند، سیصد رأس گاو و سی نفر شتر بود. غلات تولیدی آنها نیز از چهارصد تن در سال افزون بود (فرهنگ جغرافیایی ایران، ص ۵۰۱-۵۰۲).

در این دوره، رشتخوار از لحاظ نظامی اهمیت یافت، چه روسها پاسگاهی ایجاد کردند که شش سوار نیرو داشت. بی‌گمان این نفوذ آنان با وفور کالاهای روسی، به ویژه پارچه‌های پنبه‌ای در منطقه، ارتباط داشت. افزون بر این، عبور خط تلگراف مشهد-سیستان از رشتخوار و تأسیس دفتری برای امور آن سر اهمیت این آبادی افزوده بود. در این زمان، با آنکه بیش از هفتاد سال از انقراض حکومت خاندان قرایی می‌گذشت، اعقاب آنان همچنان در رشتخوار نفوذ داشتند (همانجا).

چند دهه بعد، در پی برکناری رضاشاه پهلوی در شهریور ۱۳۲۰ و متعاقب آن شورش صولت‌السلطنه (رئیس ایل هزاره) در شرق خراسان، رشتخوار نیز چندی ناامن شد (ص بیات، ص ۵۲، ۵۸). در تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ ش، با تبدیل هریک از دو بلوک سنگان و رشتخوار به دهستان، بخش رشتخوار در شهرستان

آثار ملی از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴، تهران ۱۳۸۴ ش، تحلیل و تفسیر مجموعه اسناد روستایی و عشایری ایران، به کوشش حواد صغریزاد، تهران نشر آتیه، ۱۳۸۱ ش، جعفری، حدود العالم؛ محمدرضا خسروی، جغرافیای تاریخی تربت حیدریه زاوه ساستان، مشهد ۱۳۷۷ ش؛ احمدین محمدخواری، مجمل فصیحی، چاپ محمود فرج، مشهد ۱۳۳۹-۱۳۴۱ ش، دهخدا، رزم آرا، روزنامه مسافرت هرات، در سه سفرنامه هرات، مرو، مشهد، چاپ قدرت الله روشی رعلیو، تهران نوس، ۱۳۵۶ ش، فرهنگ جغرافیایی آسادهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۵۲ گاناد، تهران اداره جغرافیایی ارتش، ۱۳۶۳ ش، فرهنگ جغرافیایی ایران خراسان، ترجمه و تحقیق کاظم حادیمان، مشهد سیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰ ش، فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، تهران سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱ ش - محمدقاسمی، تاریخ تربت حیدریه با تکیه بر نقش اسحاق خان قرایی، تربت حیدریه ۱۳۷۹ ش؛ رحمانی باف حاجیکو و فرامر صابرمقدم، مساحد خراسان (رضوی، شمالی، جنوبی) از آغار تا دوران معاصر، تهران ۱۳۸۵ ش؛ مجدخواری، روضه حلد، مشتمل بر حکایات و اشعار تعلیمی و اخلاقی، به تقلید از گلستان سعدی، چاپ غاسملی وفایی، تهران ۱۳۸۹ ش؛ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، کل کشور، تهران ۱۳۹۱ ش؛ رصاقلی محمدهادی هدایت، فهرس التواریخ، چاپ عبدالحمین بوانی و میرهاشم محدث، تهران ۱۳۷۳ ش؛

George N. Curzon, *Persia and the Persian question*, London 1892, repr. 1966; *El²*, s.v. "Masjdjd. LH: the architecture of the mosque" (by R. Hillenbrand); Mohan Lal, *Travels in the Panjab, Afghanistan & Turkistan, to Balk, Bokharu, and Herat and a visit to Great Britain and Germany*, London 1846.

/ مرتضی دانشیار /

رشتی، سیدکاظم بن قاسم حسینی، دومین رهبر

مکتب شیخیه*، وی شاگرد و حاشین شیخ احمد آحسایی* (متوفی ۱۲۴۱ یا ۱۲۴۲) بود و سهم عمده‌ای در ترویج تعالیم شیخ احمد و تثبیت شیخیه داشت. سال تولد وی را به اختلاف ۱۲۰۵ و ۱۲۱۲ ذکر کرده‌اند که دومی مشهورتر است (به آیتی، ج ۱، ص ۲۷؛ ابراهیمی، ج ۱، ص ۱۱۵)؛ هرچند، مانوچه به جایگاه رشتی در زمان حیات استادش، پذیرش تاریخ دوم دشوارتر است (به آل طالقانی، ص ۱۱۸-۱۱۹).

جد سیدکاظم، سیداحمد از علمای مدینه بود که در پی شیوع طاعون به رشت مهاجرت کرده بود. سیدکاظم در زادگاه خود، رشت، فراگیری دانش را آغاز کرد، اما از شواهد برمی آید که وی به شیوه معمول در حوزه‌های علمی تحصیل کرده باشد. او برای تکمیل آموخته‌هایش قصد سفر داشت که با مخالفت خانواده‌اش مواحه شد، تا اینکه در پی رویایی، برد شیخ احمد آحسایی به یزد رفت و در درس وی حضور یافت (کرمانی،

تربت حیدریه تشکیل شد (به ایران، قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، ضمیمه، ص ۸). در ۱۳۱۸ ش، قریه رشتخوار، که مرکز دهستان رشتخوار بود، به شهر ارتقا یافت (به رزم آرا، ج ۹، ص ۸۵، ۱۸۹؛ ایران، وزارت کشور، معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش، ۳، ذیل «استان خراسان رضوی»). در ۱۳۲۹ ش، بخش رشتخوار ۸۲ آبادی و ۲۲۳۳۶ تن جمعیت داشت که از این تعداد، ۳۷۹۸ تن در شهر رشتخوار ساکن بودند. شغل غالب اهالی بخش رشتخوار زراعت، دامپروری و قالیچه‌بافی بود در این سالها، افزون بر غلات، بادام، تریاک و پنبه نیز از محصولات کشاورزی اهالی منطقه بوده است (به رزم آرا، ج ۹، ص ۱۸۹، ۲۲۵). با شکل‌گیری دهستانی دیگر در بخش رشتخوار در ۱۳۶۶ ش و افزوده شدن دهستان شعبه در ۱۳۸۱ ش، شهرستان رشتخوار در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ ایجاد شد (به ایران، وزارت کشور، معاونت سیاسی، ۱۳۹۰ ش، الف، ذیل «استان خراسان رضوی»).

آب و هوای شهرستان معتدل و خشک و بیشترین دمای شهر رشتخوار ۳۸° و کمترین آن ۱۰°- است (فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۵۴، ص ۴۲؛ جعفری، ج ۳، ص ۶۱۲). رودهای شهرستان دو رود فصلی کال سالار و کال دونخ است. کال سالار از کوه سزآباد سرچشمه می‌گیرد و با آبیاری نواحی غربی شهرستان، در شمال گناباد به رود شور می‌ریزد. کال دونخ نیز از ارتفاعات جنوب شرقی شهرستان سرچشمه می‌گیرد و با جریان یافتن در بخش جنوبی شهرستان، در شمال گناباد به رود شور می‌پیوندد (فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۵۴، ص ۲۱؛ افشین، ج ۲، ص ۳۹۹-۳۹۸، ۴۰۳؛ فرهنگ جغرافیایی رودهای کشور، ج ۳، ص ۱۲۶).

جمعیت شهرستان رشتخوار در سرشماری ۱۳۹۰ ش ۶۰۶۳۲ تن بوده است که ۶۶۸۶ تن از آنان ساکن شهر رشتخوار بوده‌اند (به مرکز آمار ایران، ص ۷۲، ۱۱۲).

منابع: ابن حوقل؛ محمدن محمد ادبسی، کتاب نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، بیروت ۱۹۸۹/۱۲۰۹؛ اصطخری؛ حاکم اهتمام الملک، سفرنامه میرزا حاکم لرحان اهتمام الملک نایب اول وزارت امور خارجه، چاپ موجهر محمودی، تهران ۱۳۵۱ ش؛ محمدحسین علی اهتمام السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، چاپ محمد اسماعیل رصوانی، تهران ۱۳۶۳-۱۳۶۷ ش؛ ایرج افشار، یادداشت‌هایی جد از سفر کاشان و خراسان، بهما، سال ۳۱، ش ۹ (آذر ۱۳۵۷)؛ بدالله افشین، رودخانه‌های ایران، تهران ۱۳۷۳ ش؛ ایران قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران، مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶، چاپ اول، تهران [سن تا]؛ ایران وزارت کشور، معاونت سیاسی دفتر تقسیمات کشوری، نشریه تاریخ تأسیس شهرستانهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش الف، همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش ۳، کلو، بیات، صولة السلطنه هزاره و شورش خراسان در زمستان ۱۳۲۰ شمسی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ ناصر یازدهی طرودی و عبدالکریم شاه‌مهر، آثار ثبت شده ایران در مهرست